DOI: 10.22122/rbs.v17i2.2362

تأثیر مدل بازسازی پس از طلاق فیشر بر اضطراب و افسردگی زنان مطلقه

کاظم صدیقی[۱]، محمدرضا صفاریان طوسی[۲]، غلامرضا خدیوی[۳]

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: برنامه بازسازی پس از طلاق فیشر یکی از برنامه‌های کاربردی برای افزایش سازگاری و کاهش هیجان‌های منفی همانند افسردگی و اضطراب است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر مدل بازسازی پس از طلاق فیشر بر اضطراب و افسردگی زنان مطلقه شهر نیشابور بود.

مواد و روش‌ها: تحقیق حاضر از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون و پیگیری با گروه آزمایش و گواه است. جامعه تحقیق حاضر زنان مطلقه شهر نیشابور بودند. نمونه شامل ۲۴ نفر از زنان مطلقه شهر نیشابور بود که به‌صورت در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش (۱۲ نفر) و کنترل (۱۲ نفر) به شیوه تصادفی جایگزین شدند. گروه آزمایش مدل بازسازی پس از طلاق فیشر را در طی ۸ جلسه دریافت کردند و گروه کنترل در لیست انتظار قرار داشتند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه افسردگی بک و اضطراب بک موردمطالعه قرار گرفتند.

یافته‌ها: تحلیل یافته‌های به‌دست‌آمده تجزیه‌وتحلیل آنکوا نشان می‌دهد که میانگین نمرات افسردگی و نشانه‌های اضطراب برحسب گروه (کنترل و آزمایش) پس از تعدیل پیش‌آزمون، تفاوت معناداری دارد ($p<۰/۰۱$) و گروه آزمایش پس از دریافت آموزش مدل بازسازی پس از طلاق، افسردگی و نشانه‌های اضطراب پایین‌تری را نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت، مدل بازسازی فیشر با انجام فعالیت‌هایی همانند طغیان و سوگواری، هیجان‌های منفی همانند افسردگی و اضطراب را در زنان مطلقه کاهش می‌دهد و آنان را برای ادامه زندگی آماده می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: مدل بازسازی پس از طلاق فیشر، اضطراب، افسردگی، زنان مطلقه.

ارجاع: صدیقی کاظم، صفاریان طوسی محمدرضا، خدیوی غلامرضا. **تأثیر مدل بازسازی پس از طلاق فیشر بر اضطراب و افسردگی زنان مطلقه.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۸؛ ۱۷(۲): ۳۱۳-۳۰۳.

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۳ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

۱- دانشجوی دکتری مشاوره، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۲- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۳- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
نویسنده مسؤل: محمدرضا صفاریان طوسی
Email:safareyan.psy@gmail.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

مقدمه

ازدواج سازه‌های جهان‌شمول و بنیادینی است که در تمامی جوامع بشری وجود داشته و دارد (۱)، پیوندی بنیادین که در بیشتر موارد فقط با مرگ پایان می‌یافت. در جوامع مدرن و کنونی، ازدواج از تقدس خارج‌شده است و همانند گذشته طلاق نیز تابو نیست (۲) و روزبه‌روز شاهد گسترش طلاق و پیامدهای ناشی از آن در جوامع مختلف هستیم (۳).

طلاق یکی از استرس‌زاترین اتفاقات زندگی باشد، به‌گونه‌ای به بعد از تجربه مرگ عزیزان، دومین منبع مهم استرس در زندگی است و یکی از سخت‌ترین تجربه‌های فرد در زندگی می‌باشد. تجربه طلاق می‌تواند سازگاری زوجین و فرزندان آن‌ها را در تمام ابعاد روان‌شناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی تحت تأثیر قرار دهد و باعث کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می‌شود (۴، ۵، ۶). به‌طورمعمول پس از طلاق، افراد با کاهش هیجان‌های مثبت و رشد هیجان‌های منفی روبه‌رو می‌شود. تجربه افسردگی و اضطراب پس از طلاق یکی از شایع‌ترین تجربه‌های افراد مطلقه است که به‌صورت آنی و بلندمدت زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲).

طلاق ازجمله عواملی است که می‌تواند افسردگی و نشانه‌های آن را در بین زنان افزایش دهد (۸، ۹). افسردگی اختلالی است که با کاهش انرژی و علاقه، احساس گناه، اشکال در تمرکز، بی‌اشتهایی و افکار مرگ و خودکشی مشخص می‌شود و با تغییر در سطح فعالیت، توانایی‌های شناختی، تکلم، وضعیت خواب و اشتها همراه است که منجر به اختلال در عملکردهای اجتماعی، شغلی، روابط فردی و اجتماعی می‌شود (۱۳). بر اساس تئوری‌های اضطراب (۱۴، ۱۵). این اختلال می‌تواند زندگی زنان مطلقه را مختل کند به‌طوری‌که کاهش عمیق میل به فعالیت‌های لذت‌بخش روزمره مثل معاشرت، تفریح، ورزش، غذا را باعث شود. این ناتوانی در لذت حالتی نافذ و پایا دارد. این زنان به دلیل فشارهای اجتماعی و اقتصادی احساس درماندگی می‌کنند و علی‌رغم حمایت‌های مالی دولتی و غیردولتی اغلب زندگی محدود و دردناکی دارند و ویژگی‌های منفی زندگی‌شان موجب عدم شادی و احساس افسردگی آنان می‌گردد.

همچنین اختلال اضطرابی یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌پزشکی در بین زنان مطلقه است (۱۶، ۱۷). اضطراب حالتی است که هر انسانی آن را در شرایط تحت‌فشار تجربه می‌کند، اما گاهی اضطراب با حوادث مکانی و زمانی تناسب ندارد و منجر به بروز علائم مخرب و هشداردهنده در انسان می‌گردد (۱۸). اضطراب احساس بیم و نگرانی منتشر و بسیار ناخوشایند و اغلب مبهم است که همراه با یک یا چند احساس جسمی است. مثل احساس خالی شدن سر دل، تنگی نفس و قفسه سینه، تپش قلب، تعریق، سردرد، یا میل جبری ناگهانی برای دفع ادرار و نیز بی‌قراری و میل برای حرکت (۱۳). این حس ناخوشایند می‌تواند با علائم عاطفی و روحی بسیاری همراه باشد. زنان پس از طلاق شاهد احساس بیم و نگرانی، هراس، ابهام در مورد زندگی خود و فرزندانشان می‌گردند به‌گونه‌ای که خود را ناتوان احساس می‌نمایند که توان رویارویی با چنین مسائلی را ندارند (۱۹، ۲۰، ۲۱، ۱۴،۲۲).

از سوی دیگر، واکنش زوج‌ها به طلاق یکسان نیست و زنان بیشتر آسیب می‌بینند و سلامتشان کاهش پیدا می‌کند (۲۳). زنان نسبت به مردان در روابط زناشویی سرمایه‌گذاری‌های بیشتری صورت می‌دهند و تغییرات ازدواج و طلاق تأثیر بیشتری بر آنان دارد. زنان پس از طلاق درآمدشان را از دست می‌دهند (۲۴، ۲۵)؛ بیشتر مجبور به پیدا کردن منزل و مکانی جدید برای سکونت هستند، هزینه‌هایشان افزایش می‌یابد (۲۳) و مشکلات فراوانی را در ارتباط با فرزندانشان پیدا می‌کنند (۲۶-۲۷)، امنیت اجتماعی‌شان کاهش پیدا می‌کند (قطبی و دیگران، ۱۳۸۲). چنین تجربیاتی در کشورهایی که دارای فرهنگ سنتی هستند، بیشتر در بین زنان مطلقه مشاهده می‌گردد (۲۷، ۲۸).

بنابراین شکل‌گیری فرایند سازگاری با طلاق، حتی علی‌رغم اینکه فرد زندگی مشترک ناخوشایندی داشته باشد، نیازمند فرایند و پروسه‌ای زمان‌بر است (۱۰). سازگاری با طلاق، به‌عنوان یک فرایند چندبعدی تعریف‌شده است که شامل مؤلفه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و مالی است. سازگاری با طلاق، فرایند جدایی از رابطه‌ی زناشویی، حل احساسات ناشی از گسستگی زناشویی، تثبیت رابطه پس از طلاق با همسر قبلی و جدید یا هر دو باشد (۲۹، ۳۰، ۳۱). در فرایند سازگاری، افراد

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

مطلقه فرد با خواسته‌ها و چالش‌های زندگی مقابله می‌کند و آن را به کنترل درمی‌آورد (۳۲).

ازاین‌رو، روند بازسازی زندگی پس از طلاق از اهمیت اساسی برخوردار است (۳۳). فیشر یک نظریه سلسله مراتبی از رفتارهای سازگارانه/ بقاجویانه از رفتار انسان ارائه می‌کند که فرد در دوران کودکی و با جریان رشد آن را تجربه می‌کند. او بر این باور است که فرایند بازسازی روابط در تمامی مراحل زندگی انسان وجود دارد و می‌تواند در رویارویی با هر بحرانی به‌کاربرده شود. وی انگیزه اصلی انسان را جستجوی رفتارهای سازگارانه/بقاجویانه و دستیابی به تعادل معرفی می‌کند که توسط مکانیسم طغیان برانگیخته می‌شود. فیشر ریشه این تئوری رفتار سازگارانه/ بقاجویانه را در بسیاری از تئوری‌های دیگر جستجو می‌کند. فیشر در ابتدای کتاب خود، تئوری خود را چنین توصیف می‌کند: به نظر می‌رسد در جامعه کنونی به حدی از رشد و کمال از طریق مراحل چهارگانه رشد و توسعه رسیده‌اند. افراد درعین‌حال تلاش می‌کنند تا هویت فردی متمایز و خاص خود را به دست آورند که متفاوت از دیگران و جامعه است. بخشی از این فرایند تا حدودی ناشی از رفتارهای سازگارانه/ بقاجویانه است که افراد در طی مهروموم‌های مختلف رشد می‌آموزند. بر این اساس می‌توان بیان داشت که ازنظر فیشر، فرایند سازگاری، رفتاری سازگارانه/ بقا جویانه (adaptive/survivor) است که به فرد کمک می‌کند به سازگاری دست یابد تا از این طریق بتواند به بقای خود ادامه دهد (۳۴، ۳۵، ۳۶).

بر اساس همین رویکرد، روش درمانی ویژه‌ای را برای بازسازی پس از طلاق ارائه می‌کنند. فیشر و آلبرتی (۳۵)، با ارائه‌ی روش درمانی بازسازی بعد از طلاق، بازسازی زندگی پس از طلاق را با روشی مجرب برای بازسازی و سازگاری پس از طلاق در نوزده مرحله‌ی انکار، ترس، سازگاری، تنهایی، دوستی، احساس گناه (طرد شدن)، غم، خشم، رها کردن، خود ارزشمندی، انتقال، صداقت، عشق، اعتماد، وابستگی، تمایلات جنسی، استقلال، هدفمندی و آزادی بیان می‌کند. این روش درمانی، این امکان را برای فرد طلاق گرفته فراهم می‌آورد تا این دوره‌ی سخت را بررسی کند، جایگاه خود را تشخیص دهد و با استفاده از رهنمودهای عملی گام‌به‌گام به‌سوی آینده‌ای پرنشاط و سالم پیش رود. هم‌چنین، با این روش، افراد می‌توانند خود را بهتر بشناسند و ابعادی از وجود خود را پرورش دهند که از قبل برایشان ناشناخته بود.

مطالعات مختلفی نشان می‌دهند که طلاق می‌تواند سبب افزایش افسردگی و اضطراب در بین افراد مطلقه گردد. بلالی و همکاران (۱۲) در پژوهش خود نشان می‌دهند که سازگاری پس از طلاق با کاهش میزان افسردگی در زنان مطلقه شهر اصفهان رابطه دارد. کارآمد (۳۷) در پژوهش خود نشان می‌دهد که آموزش بازسازی پس از طلاق فیشر می‌تواند سازگاری و رضایت از زندگی را در بین زنان مطلقه افزایش دهد. نتایج تحقیق افشاری (۳۸) نشان داد آموزش گذشت برافزایش سازگاری با طلاق در بین زنان مطلقه شهر اهواز تأثیر معناداری دارد و سبب افزایش سازگاری آنان با طلاق می‌گردد. پژوهش فیشر (۳۹) نشان از اثربخشی سمینار ۱۰ هفته‌ای سازگاری پس از طلاق بر سازگاری پس از طلاق شرکت‌کنندگان داشت. استینر و لیزا (۴۰) در تحقیقی با عنوان «تأثیر سن، وضعیت اولیه و ناباروری بر سازگاری زنان مطلقه نشان می‌دهد برنامه سازگاری بعد از طلاق فیشر بر افزایش سازگاری زنان مؤثر است، اما مؤلفه‌های دیگری نیز بر این روند تأثیرگذار هستند که مهم‌ترین آن‌ها سلامت معنوی است. باروتچو و امیر (۴۱) در تحقیق خود نشان می‌دهد که مدل سازگاری پس از طلاق فیشر برافزایش سازگاری پس از طلاق تأثیر معناداری دارد. ازاین‌رو تحقیق حاضر در پی بررسی این مسئله است که برنامه بازسازی پس از طلاق فیشر چه تأثیری بر اضطراب و افسردگی زنان مطلقه دارد.

مواد و روش‌ها

طرح این پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون و پیگیری با گروه آزمایش و گواه است. قبل از ارائه متغیر مستقل، از آزمودنی‌ها پیش‌آزمون گرفته شد و آن‌ها در گروه گواه و آزمایش قرار گرفتند، سپس آموزش بازسازی پس از طلاق برای گروه آزمایش ارائه شد و برای گروه گواه هیچ متغیری اعمال نشد. بعد از اتمام آموزش از دو گروه پس‌آزمون گرفته شد. پیگیری تحقیق نیز پس از یک ماه از هر دو گروه صورت گرفت. در تحلیل نتایج از تحلیل واریانس سری زمانی با سه زمان پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری استفاده شد. جامعه

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

آماری در پژوهش حاضر شامل کلیه زنان مطلقه شهرستان نیشابور در سال ۱۳۹۷- ۱۳۹۶ می‌باشد. نمونه پژوهش از میان زنان مطلقه مراجعه‌کننده به مراکز شهر نیشابور انتخاب گردید و ۲۴ نفر از آن‌ها به‌صورت در دسترس و داوطلبانه انتخاب و در گروهای آزمایش و کنترل به تعداد ۱۲ نفر به‌صورت تصادفی جایگزین گردید. شرایط ورود و خروج به پژوهش عبارت‌اند از: تمایل به همکاری شرکت‌کنندگان، طلاق به‌صورت قانونی صورت گرفته باشد و ازدواج پایان‌یافته باشد، هیچ‌گونه سوءمصرف مواد یا الکل، نداشتن تشخیص اختلال روان‌پزشکی و شخصیتی و جلسات درمانی را کامل کرده باشند.

بر اساس یافته‌های توصیفی میانگین سن پاسخگویان برابر با ۳۳/۱۷، مدت طلاق برابر با ۱۳/۳۸ سال می‌باشد. ۶۶/۷ درصد (۱۶ نفر) دیپلم، ۱۶/۷ درصد (۴ نفر) زیر دیپلم ۱۶/۷ درصد (۴ نفر) تحصیلات دانشگاهی دارند. ۷۹/۲ درصد (۱۹ نفر) بیکار، ۲۰/۸ درصد (۵ نفر) شاغل هستند. ۳۷/۵ درصد (۹ نفر) دارای یک فرزند، ۴۵/۸ درصد (۱۱ نفر) ۲ فرزند، ۱۲/۵ درصد (۳ نفر) ۳ فرزند و ۴/۲ درصد (۱ نفر) ۴ فرزند دارد. وضعیت اقتصادی ۶۶/۷ درصد (۱۶ نفر) در سطح ضعیف، ۳۳/۳ درصد (۸ نفر) در سطح متوسط است.

پرسشنامه افسردگی بک (Beck's Depression Inventory):

این پرسشنامه شامل ۲۱ آیتم خود گزارشی است که برای افراد ۱۳ سال به بالا طراحی‌شده است این نسخه برای ارزشیابی نشانگان منطبق با ملاک‌های تشخیصی اختلال افسردگی که انجمن روان‌پزشکی امریکا (DSM-IV) ارائه داده کاربرد دارد. نمرات BDI-II بر اساس چهار گزینه (صفر تا ۳) برای عدم وجود نشانه‌ای خاص تا بیشترین درجه وجود آن نشانه در دامنه‌ای از ۰ تا ۳۰ قرار می‌گیرد. ضریب پایایی آزمون در گروه بیماران سرپایی ۹۳٪ محاسبه شد. ضریب اعتبار کل BDI-II برای هر ۲۱ آیتم برابر با ۹۱٪ به دست آمد. به‌طورکلی ضرایب همسانی درونی هر آیتم و سایر مشخصه‌های آماری پرسشنامه همین‌طور ضریب آلفایی کرونباخ نشان داد که BDI-II در جمعیت ایرانی از اعتبار مناسب برخوردار است (۴۲). طاهری تنجانی و دیگران (۴۳) همبستگی درونی این مقیاس را ۰/۸۱ و آلفای کرونباخ آن را ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه اضطراب بک (Beck's Anxiety Inventory):

این پرسشنامه یک مقیاس ۲۱ ماده‌ای است که آزمودنی در هر ماده یکی از چهارگزینه‌ای که نشان‌دهنده شدت اضطراب است را انتخاب می‌کند، چهار گزینه هر سؤال در یک طیف چهاربخشی ۰ تا ۳ نمره‌گذاری می‌شود هر یک از ماده‌های آزمون یکی از علائم شایع اضطراب ذهنی، بدنی، وسواس را توصیف می‌کند بنابراین نمره کل این پرسشنامه در دامنه‌ی صفر تا ۶۳ قرار می‌گیرد (۴۴). مطالعات نشان می‌دهد که این پرسشنامه از روایی و اعتبار بالایی برخوردار است ضریب همسانی درونی آن ضریب آلفا ۸۲٪ اعتبار آن با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۷۵٪ و همبستگی ماده‌های آن از ۳۰٪ تا ۷۶٪ متغیر است پنج نوع روایی محتوی هم‌زمان سازه، تشخیصی و عاملی برای این آزمون سنجیده شده است که همگی نشان‌دهنده کارایی بالای این ابزار در اندازه‌گیری شدت اضطراب می‌باشد (۴۵). کاویانی و موسوی (۴۶) روایی این پرسشنامه را ۰/۷۲ و پایایی آن را ۰/۸۳ گزارش کرده‌اند.

جدول ۱. برنامه سازگاری پس از طلاق Fisher (۳۵، ۴۷).

جلسه	محتوا
اول	آشنایی اولیه و تبیین اهداف برگزاری جلسات و بیان هنجارهای گروهی
دوم	آشنایی مادران با بلوک‌های بازسازی زندگی پس از طلاق
سوم	آشنایی با بلوک‌های سازگاری، تنهایی، دوستی، آشنایی با افکار و هیجانات کودکان پس از جدایی
چهارم	آشنایی با بلوک‌های بازسازی احساس گناه / طرد، غم، خشم، آشنایی اعضای گروه با فرایند بخشودگی، سوگواری.
پنجم	آشنایی با بلوک‌های بازسازی، رها کردن، خود ارزشمندی، انتقال و صداقت، شیوه‌های برخورد با مشکلات رفتاری کودکان
ششم	آشنایی با بلوک‌های بازسازی اعتماد، استقلال، هدفمندی و آزادی، آشنایی با مفاهیم مرزها، زیر منظومه‌ها، ائتلاف، سلسله‌مراتب قدرت، نقش‌ها، فرزند ولی گونه
هفتم	بیان شیوه‌های کاهش تعارض‌های والدینی، آشنایی با شیوه‌های افزایش همکاری والدینی
هشتم	شیوه‌های برقراری ارتباط با کودکان، راهکارهای افزایش سازگاری کودکان

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

یافته‌ها

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی و سپس یافته‌های استنباطی تحقیق ارائه می‌گردند. میانگین افسردگی و اضطراب پاسخ‌گویان در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول شماره ۲ ارائه‌شده است.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	منابع تغییرات	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
		گروه کنترل	گروه آزمایش	گروه کنترل	گروه آزمایش	گروه کنترل	گروه آزمایش
اضطراب	میانگین	۲۸/۵۱	۳۱/۵۰	۳۰/۰۱	۱۲/۵۰	۲۸/۵۰	۱۷/۰۰
	انحراف استاندارد	۴/۹۱	۹/۳۴	۵/۶۲	۹/۲۳	۵/۶۲	۸/۵۸
افسردگی	میانگین	۳۱/۰۰	۳۰/۶۷	۳۱/۵۸	۱۳/۷۵	۳۱/۸۳	۱۶/۰۸
	انحراف استاندارد	۶/۷۸	۱۰/۰۷	۷/۰۱	۷/۹۳	۶/۳۶	۷/۲۷

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۳ و نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف، توزیع داده‌ها نرمال است و شرط همگنی واریانس‌ها رعایت شده است.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	آزمایش			کنترل		
	کولموگروف- اسمیرنوف			کولموگروف- اسمیرنوف		
	مقدار	df	p	مقدار	df	p
افسردگی. پیش‌آزمون	۰/۱۶۵	۱۲	۰/۲۰۰	۰/۱۰۸	۱۲	۰/۲۰۰
افسردگی. پس‌آزمون	۰/۱۷۴	۱۲	۰/۲۰۰	۰/۱۳۰	۱۲	۰/۲۰۰
افسردگی. پیگیری	۰/۲۰۰	۱۲	۰/۲۰۰	۰/۱۵۶	۱۲	۰/۲۰۰
اضطراب. پیش‌آزمون	۰/۱۲۲	۱۲	۰/۲۰۰	۰/۱۵۴	۱۲	۰/۲۰۰
اضطراب. پس‌آزمون	۰/۱۹۰	۱۲	۰/۲۰۰	۰/۱۱۱	۱۲	۰/۲۰۰
اضطراب. پیگیری	۰/۲۱۳	۱۲	۰/۱۳۹	۰/۱۲۰	۱۲	۰/۲۰۰

در این پژوهش به‌منظور بررسی فرضیات پژوهش از تحلیل واریانس مختلط استفاده گردیده است و قبل از آن مفروضه‌های تحلیل واریانس مختلط بررسی‌شده است. آزمون ام باکس نشان‌دهنده همگنی واریانس‌ها می‌باشد. بررسی آزمون لوین اضطراب در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری نشان‌دهنده همسانی واریانس‌ها است. یکی دیگر از مفروضه‌های مهم، مفروضه تقارن مرکب ماتریس کوواریانس است. برای بررسی این مفروضه از آزمون کرویت ماچلی استفاده شد. طبق نتایج مفروضه کرویت برقرار نیست و سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ کوچک‌تر است ؛ بنابراین به دلیل برقراری فرض کرویت از آزمون گرین هاوس- گایزر (۰/۷۴۵) استفاده می‌شود.

جدول ٤. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر اضطراب

منابع تغییرات	SS	df	MS	F	p	اندازه اثر	توان آزمون
اثر زمان	۹۷۲/۰۰	۱/۴۹۱	۶۲۱/۷۹۵	۴۷/۶۵۰	۰/۰۱	۰/۶۸۴	۱/۰۰
تعامل زمان * گروه	۱۱۹۷/۰۰	۰/۴۹۱	۸۰۲/۹۰۱	۶۱/۵۲۸	۰/۰۱	۰/۷۳۷	۱/۰۰
خطا	۴۲۸/۰۰	۳۲/۷۹۹	۱۳/۰۴۹				
گروه	۱۴۵۸/۰۰	۱	۱۴۵۸/۰۰	۹/۹۵۵	۰/۰۱	۰/۳۱۲	۰/۸۵۴
خطا	۳۲۲۲/۰۰	۲۲	۱۴۶/۴۵۵				

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر را برای بررسی اثرات اصلی گروه، زمان و اثر تعاملی زمان و گروه در اضطراب زنان مطلقه را با اصلاح درجات آزادی با استفاده از آزمون گرین هاوس نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد. اثر اصلی زمان ($p<۰/۰۰۱$)، تعامل زمان گروه ($p<۰/۰۰۱$) معنادار است. اثر اصلی زمان معنی‌دار است، این بدین معنی است که تغییرات متغیر اضطراب زنان مطلقه از مرحله پیش‌آزمون تا مرحله پیگیری تغییر کرده است. همچنین در این جدول آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، بین گروهی نیز نشان داده‌شده است. بر اساس نتایج، مقدار F=۹/۹۵۵، در سطح آلفای کمتر از $p<۰/۰۱$، معنادار است. به‌عبارت‌دیگر بین گروه آزمایش و گروه کنترل در اضطراب زنان مطلقه در سه مرحله (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) تفاوت معناداری به دست آمد.

برای بررسی تفاوت بین افسردگی دو گروه از تحلیل واریانس مختلط استفاده گردیده است و قبل از آن مفروضه‌های تحلیل واریانس مختلط بررسی‌شده است. آزمون ام باکس نشان‌دهنده همگنی واریانس‌ها است. بررسی آزمون لوین افسردگی در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری نشان‌دهنده همسانی واریانس‌ها است. همچنین طبق نتایج مفروضه کرویت برقرار نیست و سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ کوچک‌تر است؛ بنابراین به دلیل برقراری فرض کرویت از آزمون گرین هاوس (۰/۵۷۴) استفاده می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر افسردگی

منابع تغییرات	SS	df	MS	F	p	اندازه اثر	توان آزمون
اثر زمان	۹۲۵/۰۲۸	۱/۱۴۸	۸۰۵/۷۴۶	۳۴/۳۱۲	۰/۰۱	۰/۶۰۹	۱/۰۰
تعامل زمان * گروه	۱۰۹۶/۵۲۸	۱/۱۴۸	۹۵۴/۸۱۲	۴۰/۶۷۳	۰/۰۱	۰/۶۴۹	۱/۰۰
خطا	۵۹۳/۱۱۱	۲۵/۲۶۵	۲۳/۴۷۵				
گروه	۲۳۰۰/۶۸۱	۱	۲۳۰۰/۶۸۱	۱۵/۳۹۴	۰/۰۱	۰/۴۱۲	۰/۹۶۳
خطا	۳۲۸۷/۳۰۶	۲۲	۱۴۹/۴۲۳				

جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر را برای بررسی اثرات اصلی گروه، زمان و اثر تعاملی زمان و گروه در افسردگی زنان مطلقه را با اصلاح درجات آزادی با استفاده از آزمون گرین هاوس نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد اثر اصلی زمان ($p<۰/۰۰۱$)، تعامل زمان گروه ($p<۰/۰۰۱$) معنادار است. اثر اصلی زمان معنی‌دار است، این بدین معنی است که افسردگی زنان مطلقه از مرحله پیش‌آزمون تا مرحله پیگیری تغییر کرده است. همچنین در این جدول آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، بین گروهی نیز نشان داده‌شده است. بر اساس نتایج، مقدار F=۱۵/۳۹۴، در سطح آلفای کمتر از $p<۰/۰۱$، معنادار است. به‌عبارت‌دیگر بین گروه آزمایش و گروه کنترل در افسردگی زنان مطلقه در سه مرحله (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) تفاوت معناداری به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر بررسی اثربخشی مدل بازسازی پس از طلاق فیشر بر اضطراب و افسردگی زنان مطلقه بود. نتایج به‌دست‌آمده در تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مدل فیشر می‌تواند سبب کاهش افسردگی و نشانه‌های اختلال اضطراب در بین زنان مطلقه گردد. یافته‌های به‌دست‌آمده همسو با مطالعات بلالی و دیگران (۱۲)، کارآمد (۳۷) افشاری (۱۳۸۸) Fisher (۱۹۷۶، به نقل از ۳۷)، Fisher (۳۹)، Steiner و همکاران (۴۰)، Barutçu و Demir (۴۱) است.

Fisher در ابتدای کتاب خود، تئوری خود را چنین توصیف می‌کند: به نظر می‌رسد در جامعه کنونی به حدی از رشد و کمال از طریق مراحل چهارگانه رشد و توسعه رسیده‌اند. افراد درعین‌حال تلاش می‌کنند تا هویت فردی متمایز و خاص خود را به دست آورند که متفاوت از دیگران و جامعه است. بخشی از این فرایند تا حدودی ناشی از رفتارهای سازگارانه/ بقا جویانه است که افراد در طی مهروموم‌های مختلف رشد می‌آموزند. بر این اساس می‌توان بیان داشت که ازنظر فیشر، فرایند سازگاری،

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

رفتاری سازگارانه/ بقا جویانه است که به فرد کمک می‌کند به سازگاری دست یابد تا از این طریق بتواند به بقای خود ادامه دهد. او بر این باور است که فرایند بازسازی روابط در تمامی مراحل زندگی انسان وجود دارد و می‌تواند در رویارویی با هر بحرانی به‌کاربرده شود (۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۹). ازاین‌رو می‌توان بیان نمود که ازنظر فیشر این برنامه به زنان کمک می‌کند تا رفتارها و ویژگی‌های منفی همانند اضطراب و افسردگی را که بقای آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، کاهش دهند و به‌جای آن رفتارهای سازگارانه را در پیش بگیرند.

در همین راستا، همسو با تئوری Allen و Hawkins (۴۸) برنامه درمانی فیشر انتخاب مسیرهای جایگزین، مانند تصمیم برای ماندن با یکدیگر، گفتگوهای عقلانی تفسیری، تعاملی، بی فردی، فرایند گفتمان بین افراد و زوج‌ها، فرایند پیچیده تغییر روابط در طول زمان و نقش هیجانات، تعصب و ناسازگاری در فرایند تصمیم‌گیری را در بین زنان مطلقه افزایش می‌دهد. با افزایش توانمندی‌ها و مهارت‌های افراد (۴۹) توانایی زنان برای سازگاری با طلاق و هیجان‌های منفی، اضطراب و افسردگی ناشی از طلاق افزایش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی زنان که اطلاعات مطلوب‌تری در مورد وقایع گذشته، حال و آینده دارند، توانایی شناختی بالایی دارند، درنتیجه کمتر دچار استرس می‌شوند، دارای خودکنترلی بالایی هستند، تصمیمات اشتباهی نمی‌گیرند (۵۰).

پس از طلاق افراد موقعیت‌ها و شرایط استرس‌زای مختلف اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی را تجربه می‌کنند که سبب کاهش شادی و شادکامی‌شان می‌گردد. برنامه درمانی فیشر با کاهش احساسات و هیجانات منفی همانند ترس، انکار، خشم و ... و افزایش هیجانات مثبت مانند استقلال، دوست داشتن، بخشودگی و ... هیجانات مثبت مانند شادکامی را افزایش می‌دهد (۳۴، ۳۵، ۳۹). بر اساس مدل فیشر زنان مطلقه در رویارویی با طلاق از پذیرش واقعیت‌های طلاق امتناع می‌ورزند و به انکار آن می‌پردازند. این امر سبب می‌شود تا تعامل افراد با واقعیت طلاق و جهان پیرامون بر اساس واقعیت نباشد، با ناامیدی به اهداف خود می‌نگرند و توانایی کافی در شناسایی و رسیدن به هدف را ندارند. بر اساس مدل رشد مارپیچی هیجان‌ها، رشد هیجان‌ها به‌صورت مارپیچی سبب تقویت یکدیگر می‌گردد و هم‌افزایی انواع هیجان‌ها را در پی دارد. بدین ترتیب رشد چنین هیجان‌های منفی در زنان به‌صورت مارپیچی، سبب تقویت یکدیگر می‌گردد. این بدان معناست که زنان هرچه بیشتر اضطراب و افسردگی را تجربه می‌کنند؛ اما برنامه آموزشی فیشر سبب می‌شود تا زنان از چنین فرایند هم‌افزایی و مارپیچی رشد هیجان‌های منفی رهایی یابند. همچنین این برنامه تلاش می‌کند تا با جایگزینی هیجان‌های منفی با هیجان‌های مثبت، رشد مارپیچی هیجان‌های منفی را به‌سوی رشد مارپیچی هیجان‌های مثبت تبدیل نماید و هرچه بیشتر از پیامدهای طلاق مانند افسردگی و اضطراب بکاهد (۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۹).

یکی از مراحل مهم این برنامه در کاهش اضطراب و افسردگی ناشی از طلاق، مرحله سوگواری است. در این برنامه، یکی از رویدادهای مهم و لازم در طی فرایند طلاق، سوگواری برای پایان روابط است. افرادی که طلاق گرفته‌اند، نیاز دارند تا دوره‌ای را برای پایان روابطشان سوگواری کنند. فرد شاید گاهی احساس استرس، افسردگی، بی‌خوابی و تغییر انرژی را داشته باشد. فرد باید در خود زمینه آن را فراهم آورد تا با روابط سابق خویش خداحافظی نماید و خود را برای آینده‌ای شادتر و سالم‌تر آماده نماید (۳۵، ۳۹). انجام چنین مرحله‌ای سبب پایان دادن به ویژگی‌ها و رفتارهای منفی همانند استرس، اضطراب و افسردگی می‌گردد؛ بنابراین، بر اساس تئوری فیشر (۳۴، ۳۵، ۳۶) برنامه بازسازی پس از طلاق بر اساس یادگیری‌های رشد و تحول فرد عمل می‌نماید و او را به‌سوی طغیان جدا شدن از هویت وابسته به همسر سوق می‌دهد، به‌گونه‌ای که به‌سوی هویت مستقل خود گام بردارد و روابط خود را با خود و با دیگران از نو سازمان دهد.

از سوی دیگر، بر اساس تئوری فردریکسون (۵۱) می‌توان بیان داشت با شروع طغیان و افزایش هیجان‌های مثبت که سبک زندگی افراد تغییر می‌یابد، احساسات منفی در قبال همانند تنفر، احساس گناه و ... کنار گذاشته و بر اساس طرح فیشر، وارد فرایند بخشودگی می‌گردد. با کاهش احساسات منفی و گسترش و ساخت احساسات مثبت (۵۱، ۵۲)، افراد مطلقه به منابع شناختی و رفتاری بیشتری دست پیدا می‌کند و هیجانات مثبت در آن‌ها بیشتر گسترش می‌یابد.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

همچنین برنامه‌های درمانی فیشر سبب می‌شوند تا افراد بتوانند روابط اجتماعی و دوستی خود را پس از طلاق افزایش دهند و تعاملات مناسبی را با محیط خود برقرار نمایند. درعین‌حال برنامه آموزشی فیشر، مؤلفه‌هایی را به شرکت‌کنندگان می‌آموزد که زمینه‌ساز کاهش عواطف و هیجانات منفی آنان است. کاهش چنین هیجانات منفی مانند احساس گناه/ طرد سبب می‌شود تا افراد پس از طلاق استرس، اضطراب و افسردگی کمتری را تجربه نمایند و به سازگاری بیشتر در زندگی پس از طلاق دست یابند (۳۵، ۳۶).

ازجمله محدودیت‌هایی که تحقیق حاضر با آن روبه‌رو بود، می‌توان به تفاوت‌های فردی اشاره نمود که به دلیل نوع جامعه آماری، ممکن است نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌گردد تا برنامه‌های آموزش فیشر در آموزش زنان مطلقه موردتوجه قرار گیرد تا بدین‌سان بتوان هیجان‌های منفی همانند افسردگی و اضطراب را در آنان کاهش داد.

تقدیر و تشکر

از تمام افرادی جوانی که صمیمانه ما را یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌نمایم همچنین از همکارانی که ما را در اجرای پژوهش، برگزاری جلسات، تکمیل پرسش‌نامه‌ها یاری‌کردن سپاسگزاری می‌کنم.

References

1. González L. The social effects of divorce laws, CREI (Center de recerca en economia internacional) Ramon Trias Fargas, 2015.
2. Animasahun R. A. Psychology of Divorce. GCE 751 Lecture Series, Ibadan: Department of Guidance and Counselling, University of Ibadan, 2013.
3. Abalos JB. Divorce and separation in the Philippines: Trends and correlates. Demographic Research. 2017;36:1515-48.
4. Amato PR, Anthony CJ. Estimating the effects of parental divorce and death with fixed effects models. Journal of Marriage and Family. 2014 Apr;76(2):370-86.
5. Amato PR. Research on divorce: Continuing trends and new developments. Journal of marriage and family. 2010 Jun;72(3):650-66.
6. Amato PR. The consequences of divorce for adults and children. Journal of marriage and family. 2000 Nov;62(4):1269-87.
7. Fine M.A, Harvey JH. Divorce and Relationship Dissolution in the 21st Century. In M. A. Fine and J. H. Harvey (Eds.), Handbook of Divorce and Relationship Dissolution (pp. 3-11). New York: Taylor & Francis. 2006.
8. Kadir NB, Bifulco A. Vulnerability, life events and depression amongst Moslem Malaysian women: comparing those married and those divorced or separated. Social psychiatry and psychiatric epidemiology. 2011 Sep 1;46(9):853-62.
9. Breslau J, Miller E, Jin R, Sampson NA, Alonso J, Andrade LH, Bromet EJ, De Girolamo G, Demyttenaere K, Fayyad J, Fukao A. A multinational study of mental disorders, marriage, and divorce. Acta Psychiatrica Scandinavica. 2011 Dec;124(6):474-86.
10. Sharma B. Mental and emotional impact of divorce on women. Journal of the Indian Academy of Applied Psychology. 2011 Jan;37(1):125-31.
11. Nazari Far, M. Presenting the pattern of post-divorce adjustment in divorced women, a qualitative research, PhD thesis, Ahvaz University. 2018. [Persian].
12. Belali T, Entezami O. The Study of Relationship between Psychological factors and Demographic characteristics predicting Post Divorce Adjustment among Divorced Women in Isfahan, Counseling culture and psychology. 2011; 2(5): 33-57. [Persian].
13. Sadock B, Ruiz P. Kaplan & Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences. Alphen aan den Rijn, South Holland, Netherlands: Walters Kluwer; 2015.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]

[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

14. The compare between divorced women's quality of life and undivorced women in Shiraz city and the study of Relationship between demographic variables of divorced women and their quality of life. Knowledge & Research in Applied Psychology. 2017;10(41):64-86. [Persian].
15. Goldberg RJ. Anxiety reduction by self-regulation: theory, practice, and evaluation. Annals of Internal Medicine. 1982 Apr 1;96(4):483-7.
16. Amato P. Divorce Outcomes for Children and Adults, translating by Yazdzadegan, M., Tehran: International Relations Association of Olivers and Coaches, 2005. [Persian] .
17. Kalmijn M. Country differences in the effects of divorce on well-being: The role of norms, support, and selectivity. European Sociological Review. 2009 Jul 23;26(4):475-90.
18. Bazrafshan M. Mahmoudi Rad A. The effect of anxiety in pregnant women on neonatal apgar score and birth weight, Scientific Journal of Hamadan Nursing & Midwifery Faculty, 17(1,2): 58-62. [Persian].
19. Mirsardoo T, Hashemi T. Investigation of Socioeconomic Impacts of Prolonging the Divorce Process on Life of Involved Women, Social Welfare Quarterly. 2015; 15(56):105-131. [Persian].
20. Shahriari V, Mehmandoost M. Effects of based cognitive therapy mindfulness to depression and anxiety in adolescent girls with divorced parents in Bojnoord. Journal of North Khorasan University of Medical Sciences. 2017; 8(4) :569-579. [Persian].
21. Akhavan Tafti M. Divorce Stages and Aftermaths. Quarterly Journal of Women's studies sociological psychological. 1(3): 125-151. [Persian].
22. Steiner LM, Suarez EC, Sells JN, Wykes SD. Effect of age, initiator status, and infidelity on women's divorce adjustment. Journal of Divorce & Remarriage. 2011 Jan 13;52(1):33-47.
23. Wind B, Dewilde C. Home-ownership and housing wealth of elderly divorcees in ten European countries. Ageing & Society. 2018 Feb;38(2):267-95.
24. Grinstein-Weiss M, Manturuk KR, Guo S, Charles P, Key C. The impact of homeownership on marriage and divorce: evidence from propensity score matching. Social Work Research. 2014 Jun 1;38(2):73-90.
25. Bilali T, Etemadi AS. Effect of separation and incompatibility after divorce in creating and maintaining tension in families. Proceedings of the 5th Islamic Consultative Conference. Qom: Islamic Consultative Studies Institute, 2009.
26. Lee D, McLanahan S. Family structure transitions and child development: Instability, selection, and population heterogeneity. American sociological review. 2015 Aug;80(4):738-63.
27. Gghotbi M, Holakoei Naeini K, Jazayeri A, Rahimi A. Evaluation of Divorce and it's Factors in Divorced Person Lived in Doulat Abad (Tehran). Social Welfare. 2004; (12): 271-286. [Persian].
28. Kavas S, Gunduz-Hosgor A. Divorce and family change revisited: Professional women's divorce experience in Turkey. Demográfia English Edition. 2010;53(5):102-26.
29. Salts CJ, Zongker CE. Effects of divorce counseling groups on adjustment and self concept. Journal of Divorce. 1983 Jun 7;6(4):55-67.
30. Kessler S. Building skills in divorce adjustment groups. Journal of Divorce. 1978 Dec 8;2(2):209-16.
31. Rogers M, Pattenden R, Pullen J, Bickerdike A. Women and separation (Managing new horizons). Australia: Relationships Australia Victoria and beyondblue. 2017.
32. Akhundi Darzi, M. Qualitative Study of Effective Factors in Adaptation to Post-Divorce Conditions in Absolute Women, Master's Thesis, Allameh Tabataba'i University. 2017. [Persian]
33. Allan R. The use of emotionally focused therapy with separated or divorced couples. Canadian Journal of Counselling and Psychotherapy/Revue canadienne de counseling et de psychothérapie. 2016 Sep 14;50(3s).

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

34. Fisher, B. F., & Bierhaus, J. Facilitator's Manual for Rebuilding When Your Relationship ends. California: Impact Publisher, 2007.
35. Asanjarani F, Jazayeri R, Fatehizade M, Etemadi O, De Mol J. The effectiveness of fisher's rebuilding group intervention on divorce adjustment and general health of Iranian divorced women. Journal of Divorce & Remarriage. 2018 Feb 17;59(2):108-22.
36. Fisher, B. Rebuilding when your relationship ends. San Luis Obispo, CA: Impact, 1992
37. Karamad H. Effectiveness of post-divorce reconstruction training on compatibility and life satisfaction in divorced women in Bojnourd, Master's Thesis, Islamic Azad University, Neyshabur Branch. 2017.
38. Afshari F. Effect of passage on compatibility with Divorce in Divorced women in Ahvaz City, M.A. Dissertation, Shahid Chamran University of Ahvaz, 2009.
39. Fisher B, Satir VM. Aprender a Amar De Nuevo/Rebuilding: When your Relationship Ends: Como Rehacer Tu Vida Cuando Una Relacion Termina/How to Rebuild your Life When a Relationship Ends. Editorial Pax México; 2005 Sep 28.
40. Steiner LM, Durand S, Groves D, Rozzell C. Effect of infidelity, initiator status, and spiritual well-being on men's divorce adjustment. Journal of Divorce & Remarriage. 2015 Feb 17;56(2):95-108.
41. Barutçu Yıldırım F, Demir A. Breakup adjustment in young adulthood. Journal of Counseling & Development. 2015 Jan;93(1):38-44.
42. Beck AT, Ward CH, Mendelson M, Mock J, Erbaugh J. An inventory for measuring depression. Archives of general psychiatry. 1961 Jun 1;4(6):561-71.
43. Hamidi R, Fekrizadeh Z, Azadbakht M, Garmaroudi G, Taheri Tanjani P, Fathizadeh S, et al. Validity and reliability Beck Depression Inventory-II among the Iranian elderly Population %J Journal of Sabzevar University of Medical Sciences. 2015;22(1):189-98.
44. Beck AT, Steer RA, Brown GK. Beck depression inventory-II. San Antonio. 1996;78(2):490-8.
45. Fathi Ashtiani A. Psychological tests: Personality and mental health. Tehran; Besat, 2012. [Persian].
46. Kaviani H, Mousavi AS. Psychometric properties of the Persian version of Beck Anxiety Inventory (BAI). Tehran University Medical Journal TUMS Publications. 2008 May 15;66(2):136-40.
47. Sharif M, Bahrami F. The Effectiveness of Divorced Mothers' Group Training with Integrative Approach on Their Adjustment in Isfahan %J Counseling Culture and Psychotherapy. 2012;3(11):21-41. [Persian].
48. Allen S, Hawkins AJ. Theorizing the Decision-Making Process for Divorce or Reconciliation. Journal of Family Theory & Review. 2017 Mar;9(1):50-68.
49. Shryack J, Steger MF, Krueger RF, Kallie CS. The structure of virtue: An empirical investigation of the dimensionality of the virtues in action inventory of strengths. Personality and Individual Differences. 2010 Apr 1;48(6):714-9.
50. Thaler RH, Sunstein CR. Nudge, Improving decisions about health, wealth, and happiness, New York, NY: Penguin Books, 2009.
51. Fredrickson BL. Positive emotions broaden and build. InAdvances in experimental social psychology. USA: Academic Press. 2013 Jan 1 (Vol. 47, pp. 1-53).

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]

Fisher’s Rebuilding Model of Divorce Effect on Distress and Depression in Divorced Women

Kazem Sedighi[1], **Mohammadreza Saffarian Toosi**[2], **Gholamreza Khadivi**[3]

Original Article

Abstract

Aim and Background: The Fisher Recovery Rebuilding is one of the applications for increasing the adjustment and reducing negative emotions such as depression and anxiety. The purpose of this study is to investigate the effect of Fisher's divorce Rebuilding model on anxiety and depression in divorced women in Neyshabur city.

Methods and Materials: The present study was a pre-test, post-test and follow-up with the experimental and control group. The sample consisted of 24 divorced women in the city of Neyshabur that were randomly selected assigned into two experimental (12 people) and control groups (12 people). The experimental group received the Fisher's Divorce Rebuilding Model in 8 sessions. The control group was on the waiting list. The control group was on the waiting list. The research questionnaires were Beck Depression Inventory and Beck Anxiety Inventory.

Findings: The analysis of ANCOVA showed that the mean scores of depression and anxiety symptoms were significantly different between two groups ($p < 0.01$) after the pre-test adjustment. The experimental group after receiving the Rebuilding of divorce model shows lower depression and anxiety symptoms.

Conclusions: Regarding the findings, it can be said that Fisher’s Rebuilding Model of Divorce reduces negative emotions such as depression and anxiety in divorced women by performing activities such as outbreaks and mourning, and prepare them to continue their life.

Keywords: Fisher’s Rebuilding Model of Divorce, Distress, Depression, divorced women.

Citation: Sedighi K, Saffarian Toosi MR, Khadivi Gh. **Fisher’s Rebuilding Model of Divorce Effect on Distress and Depression in Divorced Women.** J Res Behav Sci 2019; 17(2): 303-313.

Received: 2018.12.04 Accepted: 2019.02.14

۱- Ph.D. Counseling Student, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
۲- Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
۳- Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
Corresponding Author: Mohammadreza Safareyan Tosi Email: safareyan.psy@gmail.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.13.8]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.303]